

# The Educational Effects of Religious Punishments on the Behavior of Members of Society

## ARTICLE INFO

### Article Type

Research Article

### Authors

Maedeh Sajjadian <sup>1</sup>

Habibeh Mohammadi Rafi<sup>2\*</sup>

Roghayeh Shahabi<sup>3</sup>

### How to cite this article

Maedeh Sajjadian, Habibeh Mohammadi Rafi, Roghayeh Shahabi, The Educational Effects of Religious Punishments on the Behavior of Members of Society, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2023:6(4): 664-672.

1. Department of Jurisprudence and Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding Author).

3. Department of Jurisprudence and Law, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

### \* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: a\_brahim@iau-tnb.ac.ir

### Article History

Received: 2022/11/02

Accepted: 2023/02/07

## ABSTRACT

**Purpose:** In human societies, dos and don'ts are established in order to regulate and regularize relations between members of the society based on the prevailing and accepted norms of that society. Sometimes these dos and don'ts are so important that the society punishes the person who violates them. In line with this principle and self-evident concept in human relations, the religion of Islam and specifically the religion of Shiism; As a claimant and provider of a comprehensive and complete theory in the regulation of human relations from before birth to after death, he has a plan to draw the Islamic utopia and to achieve the perfection and excellence of each person. Therefore, the purpose of this study is the educational effects of religious punishments on the behavior of members of the society.

**Materials and Methods:** This is a descriptive-analytical study that was collected and analyzed using the sources of Shia jurisprudence.

**Findings:** The results showed that regardless of the topic of ethics, whose implementation is guaranteed in the afterlife, in Shia jurisprudence books, the four topics of worship, transactions, rhythms and rulings governing human relations are stated. The punishments prescribed by the Holy Law in the framework of hadd, ta'zir, diya and qisas play an important role in human education. Although Islamic punishments are explained in detail in jurisprudence books with a jurisprudential and ijtihad perspective, their educational goals have been neglected.

**Conclusion:** In general, it can be said that among the Shari'a orders and laws related to the proof of the crime and the characteristics of the criminal and the quality of their execution and punishment, there are instructive moral and educational points that can be a model for individuals and society, punishment should be Islamic studies should also be taken into consideration with this approach.

**Keywords:** Training, Punishment, Limits, Punishments

## آثار تربیتی منبعث از احکام جزایی دینی بر رفتار

## آحاد جامعه

مآئده سجادیان<sup>۱</sup>

گروه فقه و حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

حبیبه محمدی رفیع<sup>۲\*</sup>

گروه فقه و حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

رقیه شهابی<sup>۳</sup>

گروه فقه و حقوق، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

## چکیده

**هدف:** در جوامع انسانی و به منظور تنظیم و قاعده مند نمودن روابط میان آحاد جامعه بر اساس هنجارهای حاکم و مورد قبول آن جمع، بایدها و نبایدهایی وضع می گردد. گاهی این بایدها و نبایدها از چنان درجه از اهمیتی برخوردار هستند که جامعه، فرد نقض کننده آن را تنبیه و مجازات می نماید. در راستای این اصل و مفهوم بدیهی در روابط انسانی، دین مبین اسلام و به طور خاص مذهب تشیع؛ در مقام داعیه دار و ارائه دهنده نظریه جامع و کامل در تنظیم روابط انسان از ما قبل از تولد تا بعد از فوت، جهت ترسیم مدینه فاضله اسلامی و در راستای رسیدن به کمال و تعالی هر فرد دارای برنامه می باشد. لذا هدف این مطالعه، آثار تربیتی منبعث از احکام جزایی دینی بر رفتار آحاد جامعه می باشد.

**مواد و روشها:** این مطالعه توصیفی-تحلیلی می باشد که با استفاده از منابع فقه شیعه، اطلاعات آن جمع آوری و تحلیل گردید.

**یافته ها:** نتایج نشان داد صرف نظر از مبحث اخلاقیات که ضمانت اجرای آن اخروی است، در کتب فقهی شیعه ذیل چهار بحث عبادات، معاملات، ایقاعات و احکام قواعد حاکم بر روابط انسانی بیان گردیده است. کیفرهایی که در چهارچوب حد، تعزیر، دیه و قصاص توسط شارع مقدس مقرر شده، در تربیت انسان نقش مهمی را ایفا می نماید. هر چند در کتب فقهی احکام مجازات های اسلامی با نگاهی فقهی و اجتهادی به تفصیل بیان شده اما اهداف تربیتی آن مورد غفلت واقع شده است.

**نتیجه گیری:** به طور کلی می توان بیان داشت که در میان دستورات و قوانین شرعی مربوط به اثبات جرم و ویژگی های مجرم و کیفیت اجرای مجازات و عقوبت آنها نکات آموزنده اخلاقی و تربیتی وجود دارد که می تواند الگوی افراد و جامعه باشد، می بایست مجازات های اسلامی با این رویکرد نیز مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه ها: تربیت، مجازات، حدود، تعزیرات.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۸

\* نویسنده مسئول: a\_brahim@iau-tnb.ac.ir

## مقدمه

تربیت، باعث سعادت انسان ها می شود و به معنای سازندگی و پرورش شخصیت آنها است. اگر در اهمیت تربیت گفته شود که موفقیت فرد، خانواده و ملت، بیشتر به نوع تربیت آنها وابسته است، سخن بیهودهای نیست. فقه و تربیت دو عرصه مهمی هستند که نقش برجسته ای در زندگی فرد مسلمان ایفا می نمایند. تربیت و پرورش همه جانبه انسان از نیازهای اساسی وی است و انسان در پرتو تربیت صحیح به کمال مطلوب خویش نایل می آید. از سوی دیگر، شریعت و بعد عملی آن یعنی فقه جایگاه ویژه ای در زندگی انسان دارد و مجموعه ای از بایدها و نبایدها، زندگی او را احاطه کرده است. این دو عرصه با پیشرفت زندگی بشر و تحولات فرهنگی و اجتماعی، شکل جدیدی به خود گرفته و رسالتی نوین پیدا کرده است (۱). هر چند فقه و تربیت، به ظاهر دو عرصه متمایز و مستقل به نظر می آیند، اما زمینه هایی برای تعامل و تأثیر و تأثر متقابل آن دو وجود دارد. انسان و رفتارهای اختیاری او موضوع مشترک میان فقه و تربیت است؛ یعنی همانطور که موضوع تربیت، مرتبی (انسان) است، موضوع فقه نیز انسان و شئون زندگی او بویژه رفتارهای اختیاری او است (۲). در بررسی احکام و دستورات شرعی ناظر بر کشف و اثبات جرم و نحوه اجرای مجازات نکات آموزنده اخلاقی و تربیتی قابل استخراج است که می تواند بیانگر اهداف و اصول حاکم بر جهان بینی باشد. بر همین اساس مجازات های شرعی در مرحله تشریع، اثبات و اجرا با استفاده از روش های تربیتی و پیشگیری از بزه و دفع فساد و تأدیب مجرمان بالقوه و بالفعل را ایفا می کنند (۳). به یقین هدف تمام باید ها و نبایدهای اجتماعی که بهترین آنها در قالب قوانین و مقررات و احکامی که دارای ضمانت اجرای کیفی می باشد تدوین و تنظیم می گردند ناظر بر تربیت فردی و اجتماعی است در دین اسلام و فقه تشیع نیز فلسفه تشریع احکام، شیوه اثبات و نحوه اجرای مجازاتها از این اصل علم پیروی می نماید. مقاله حاضر براساس چنین ضرورتی نگارش یافته و قصدمان آن است تا با بررسی اهداف و اصول کلان و خرد تربیتی ناظر و حاکم بر احکام کیفی صورت پذیرد. در این مقاله سعی خواهد شد با کشف و بررسی ارتباط معنا دار احکام جزایی و تربیت، اهداف تربیتی این احکام کشف و تبیین شوند و در نهایت بتوان ساختار حاکم بر اهداف و آثار وضع مجازاتها را مورد شناسایی قرار داد.

## مفهوم شناسی تربیت

در زبان فارسی تربیت به معانی « پروردن، پروراندن یا پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، آموختن و پروردن کودک تا هنگام بالغ شدن» آمده است. همچنین واژه ترکیبی «تعلیم و تربیت»

موارد متعدد دیگر روشن می شود که تربیت از ماده «ربو» عمدتاً در خصوص دوره کودکی بکار رفته و در مورد بزرگ سالی بکار نرفته است و از کاربرد این ماده در روایات به طور حتم تربیت جسمی اراده شده است. با این حال نمی توان ادعا نمود که این ماده، منحصر به تربیت و پرورش جسمی است و در سایر ابعاد تربیتی بکار نرفته است؛ چرا که تربیت علی (ع) توسط پیامبر (ص) و تربیت فرزندان شیعه توسط حضرت فاطمه (ع) که در روایت اخیر به آن اشاره شد، به تربیت جسمی محدود نمی گردد.

#### دامنه و گستره تربیت

تربیت، فرایند فراگیر و گسترده ای است که اختصاص به مقطع سنی خاص، قلمرو و یا فعالیت ویژه ای ندارد، بلکه زندگی انسان را از گهواره تا گور شامل می شود و طیف وسیعی از فعالیت های گوناگون را که در تربیت و هدایت انسان مؤثر است در بر می گیرد (۲). «تربیت به عنوان فرایند، واقعیت بسیار عامی است که در همه سنین زندگانی و در همه اوضاع و احوال حیات انسانی به چشم می خورد» (۸). گستره تربیت از چند جهت قابل بررسی است: یکی از جهت مقاطع سنی متربی است؛ به این بیان که هر چند تربیت در برخی مقاطع سنی خاصی ندارد و همه مقاطع سنی را شامل می شود. جهت دیگر، تنوع فعالیت های تربیتی است. تربیت، طیف وسیعی از فعالیت های تربیتی را شامل می شود و اختصاص به فعالیت های ویژه مراکز آموزشی و رسمی ندارد. جهت سوم، شمول آن نسبت به همه ابعاد زندگی متربی است، به عبارت دیگر تربیت، همه ابعاد زندگی متربی از قبیل بعد جسمی، عقلی، اخلاقی، دینی، ... او را در بر می گیرد (۱۰).

#### بررسی امکان تعامل فقه و تربیت

از آنجا که موضوع هر کدام از تربیت و فقه، انسان و رفتارهای اوست، به طور طبیعی محتوا و مسائل مطرح در این دو حیطه می تواند زمینه ساز تعامل این دو باشد؛ محتوای تربیت چنان که بیان شد شامل کلیه آموزه ها و فعالیت هایی است که در پرورش ابعاد وجودی انسان مؤثر است. محتوا و مسائل فقه نیز عبارت است از باید و نبایدهای شرعی، اعم از باید و نبایدهای آموزشی و باید و نبایدهای عملی و رفتاری (۲). بنابراین این دو می توانند در برخی مسائل و محتواها تلاقی داشته باشند؛ برای مثال باید و نبایدهای فقهی بخشی از محتوای تربیت در جامعه اسلامی را تشکیل می دهد و امروزه در نظام های تعلیم و تربیت رسمی کشورهای اسلامی احکام فقهی به عنوان یک ماده درسی و یا لااقل بخشی از کتاب های دینی آنها را تشکیل می دهد. از سوی دیگر فعالیت های آموزشی و تربیتی می توانند موضوع احکام فقهی قرار گیرند. و از نظر فقهی جواز و عدم جواز آنها مورد بررسی قرار گیرد (۶). انسان ذاتاً موجودی مدنی است از این رو انسانها برای داشتن روابط اجتماعی سالم، نیاز به قوانین و مقررات حقوقی دارند تا براساس آنها بتوانند روابط سالم خویش را تنظیم کنند. یکی از اهداف فقه اسلامی به عنوان برنامه زندگی انسان، تأمین کردن این مقررات و تنظیم روابط سالم اجتماعی است (۸). از این رو بخش عمده ای از مباحث خود را به

به معنای آموزش و پرورش آمده است (۴). این واژه در زبان فارسی کاربردهای متفاوتی دارد: گاهی مراد از آن پرورش همه جنبه های شخصیت انسان است؛ مانند این که می گوئیم «سعدی در نظامیه بغداد تربیت یافت» در این مفهوم کلمه تربیت معنای عامی دارد و شامل تعلیم نیز می گردد و معادل واژه «تعلیم و تربیت» است. گاهی تربیت در مقابل آموزش بکار می رود و مراد از آن پرورش جنبه هایی غیر از جنبه ذهنی و شناختی انسان است، گاهی هم واژه تربیت در کنار واژه تعلیم و به صورت واژه «تعلیم و تربیت» بکار می رود که در این صورت مراد از آن همان تربیت است و معنایی غیر از آن افاده نمی کند (۵). واژه تربیت در زبان عربی مصدر باب تفعیل است. این واژه با دو ریشه «ربب» و «ربو» در ارتباط است.

#### تربیت در آیات و روایات

واژه «تربیت» به عنوان مصدر باب تفعیل، در آیات قرآن استعمال نشده است، ولی دو ماده «ربو» و «ربب» و مشتقات آنها در آیات قرآن فراوان بکار رفته است. اما مواردی از دو واژه فوق که در مورد انسان بکار رفته در مجموع محدود است که به بررسی اجمالی آنها می پردازیم:

مشتقات ماده «ربو» در دو آیه از آیات قرآن بکار رفته است: «قل رب ارحمهما کما ربیانی صغیراً؛ و بگو خدایا به پدر و مادر من که مرا در کودکی و خردسالی بزرگ کرده اند رحم نما» (اسرا / ۲۴). با نگاهی به این آیات، دو نکته مشخص می شود: نخست این که آنچه مسلم است کاربرد ماده «ربو» در رشد و پرورش جسمی است و در این آیات نیز این معنا بطور حتم اراده شده است. نکته دوم این که این ماده درباره دوران کودکی و خردسالی انسان بکار رفته است و قرآن این ماده را در مورد دوره بزرگ سالی بکار نبرده است (۶). اما از مشتقات ماده «ربب» در مورد انسان نیز سه واژه ربانین (آل عمران / ۱۴۶) و ربائب (نسا / ۲۳) بکار رفته است. ربانین جمع «ربانی» است. در مورد این کلمه دو دیدگاه وجود دارد: طبق یک دیدگاه، ربان بدون یاء نسبت، وصف است و ربانی به معنای تربیت کننده و مترادف با مربی است. در دیدگاه دیگر ربانی منسوب به ربّ و الف و نون آن برای تفخیم و تکثیر است، نه برای وصف؛ مثل لحنیانی به معنای کنیرالاحیه (کسی که ریش پریشی دارد). طبق این دیدگاه ربانی به کسی گفته می شود که تنها متوجه خدا باشد و به غیر او مشغول نشود (۷). در روایتی آمده است که عمده پرورش امام علی (ع) به دست پیامبر (ص) بوده است «... و کان یلی اکثر تربیته و یراعیه فی نومه و یقظنه و یحمله علی صدره و کتفه ... (۵). علی (ع) بیشتر در دامان پیامبر (ص) پرورش یافت؛ در خواب و بیداری از او محافظت می کرد و او را بر سینه و دوش خود قرار می داد...» در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که حضرت فاطمه (ع) مربی کودکان شیعه است: «ان اطفال شیعتنا من المؤمنین تربیهم فاطمه (س) (۵)؛ حضرت فاطمه (س) کودکان شیعه را پرورش می دهد».

ملاحظه می شود که در سه روایت اول، تربیت به صیغه مصدری و در روایت اخیر به صیغه فعلی و از باب تفعیل و در همه موارد در خصوص کودکان بکار رفته است. بنابراین از روایات فوق و نیز

کنند تا از طریق اعمال مجازاتهای حدی بر خود مورد بخشش خدا قرار گرفته و پاک و طاهر شوند. مجازاتهای حدی در اسلام دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است که در هیچ مکتب حقوقی به این جامعیت یافت نمی‌شود. در این مجازاتها هر چند هدف اصلاح و درمان مجرمین - همچون سیستم تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده - غالب نیست اما وجود این قوانین در جامعه و اعمال بموقع آنها می‌تواند نوعی اصلاح جمعی و پیشگیری عمومی در جامعه حاصل نماید. چرا که اصولاً مجازاتهای حدی بخاطر زیر پا گذاشتن برخی ارزشهای اساسی اجتماع بسیار سخت و هراس انگیز هستند و در صورت اثبات با قاطعیت اجرا می‌گردند. با بررسی حوزه حقوق کیفری اسلامی به این نکته می‌رسیم که ماهیت حقوق کیفری و سیاست جنایی اسلام مبتنی بر سهولت و مدارا با متهمان و مجرمین است که این امر خود نشانگر یکی از رویکردهای عمیقی است که ریشه در تربیت اسلامی دارد؛ این امر ناشی از این است که اصل دین نیز بر ساختار مبتنی بر سهولت و مدارا مبتنی است. در واقع اصل سهله و سمحه بودن در فقه کاربرد فراوانی دارد و در جاهای بسیاری بدان استناد شده است؛ اما اصل تساهل جایگاه روشنی نیافته است و بیشتر نگاه اخلاقی به آن شده است (۵). اما شاید این سؤال کلی در ذهن مخاطب به وجود آید که چرا ما در اینجا تساهل در دین و حوزه فقه جزایی را به عنوان یکی از مشخصه‌های تربیتی مورد بحث قرار دادیم؟ در پاسخ به این سؤال باید چنین استدلال کرد که ما با دو سطح تحلیل رو به رو هستیم. سطح اول تحلیل مربوط به رویکرد سنتی حقوق کیفری است که مبتنی بر سزادهی است که فقه جزای اسلامی نیز در تمامی ابعاد خود این خصیصه را دارد (۲). اما سطح دوم تحلیل در پاسخ به سؤال مطروحه، به اصل سهل بودن دین و نگاه اصلاح گرایانه دین به افراد و جامعه بر می‌گردد که در کنار رویکرد سنتی در حوزه حقوق جزا وجود دارد. این رویکرد مورد تأکید جرم شناسی کلاسیک غربی نیز است که در دین مبین اسلام، با این ادبیات در فقه مورد توجه قرار گرفته است. از این رو است که ما تساهل در اصل دین را به تمامی سطوح از جمله حوزه حقوق جزای اسلامی (فقه جزایی) تسری داده ایم و با در نظر گرفتن مشابهتهایی که مورد توجه واقع شد، آن را به عنوان یکی از رویکردهای جرم شناسی اسلامی در حوزه فقه جزایی مطرح می‌کنیم که با نوع کلاسیک آن مشابهت‌های اساسی دارد.

#### رویکرد تربیتی در باب تعزیرات

تعزیر در اصل به معنای جلوگیری و بازداشتن است؛ بنابراین تأدیبی که به صورت کمتر از حد باشد، تعزیر نامیده می‌شود؛ چراکه موجب بازداشتن مجرم از تکرار جرم می‌شود (ابن اثیر، ج ۳، ص ۲۸۸) گروهی معتقدند که تعزیر به معنای نصرت و یاری کردن می‌باشد (۵). هدف اصلی در مجازاتهای تعزیری، اصلاح، تأدیب و آماده کردن بزهدکار برای یک زندگی سالم و شرافتمندانه در جامعه است. برای همین، مجازات یک جرم تعزیری برحسب فاعل آن تغییر می‌کند (۷). کیفر تعزیر، جنبه اصلاحی و تربیتی دارد و با توجه به اینکه تابع مصالح اجتماعی است، تشخیص این موضوع به حاکم اسلامی واگذار شده که باید طبق مصالح فرد و جامعه، شرایط

این امر اختصاص داده است و انواع عقود و ایقاعات فقهی در همین راستا وضع شده اند؛ از جمله آنها می‌توان به باب‌های معاملات، اجاره، رهن، صلح، مزارعه، مساقات، مضاربه، نکاح، طلاق، ارث و ... اشاره نمود. از روش‌های تربیتی دیگر تنبیه است که در شرایط ویژه ای می‌تواند در تربیت متربیان مؤثر افتد. در فقه اسلامی باب‌های متعددی وجود دارد که این شیوه را می‌توان از آنها استخراج نمود. از آن جمله می‌توان به باب حدود، تعزیرات و دیات اشاره کرد. به طوری که در این باب‌ها شارع مقدس برای بسیاری از محرمات شرعی، کیفرهای ویژه ای در نظر گرفته که این کیفرها به حسب نوع حرامی که انجام شده و نیز به حسب نوع افرادی که مرتکب آنها می‌شوند متفاوت است؛ به این بیان که نسبت به بالغ‌ها، حدود و نسبت به غیر بالغ‌ها تعزیرات اجرا می‌شود. حتی گاهی این حدود تا حد نقص عضو متربی پیش می‌رود و گاهی به چند ضربه شلاق اکتفا می‌شود، همچنین باب دیات نیز بخشی از تنبیه‌های شرعی در مقابل فعالیت‌های منفی است که در موارد ویژه اعمال می‌گردد (۹).

#### رویکردهای تربیتی در باب مجازاتها

اصولاً در اسلام همه هنجارها به یک اندازه دارای ارزش و اهمیت نیستند به همین سبب، نوع واکنشی که جامعه در قبال تعرض به هر یک از هنجارها صورت می‌پذیرد یکسان نیست. از این رو در این شریعت با مجموعه‌ای متفاوتی از مجازاتها بر می‌خوریم که هر یک به فراخور ویژگی که دارند توان اصلاح مجرمین، پیشگیری از تکرار و ارتکاب جرایم، دفاع از ارزشهای مورد قبول اجتماع، حفظ و حراست از نظم و امنیت جامعه و برقراری عدالت را دارند (۱۰). در اسلام با دو سیستم متفاوت از مجازاتها روبرو هستیم مجازاتهای که توسط شارع مقدس تعیین شده اند و غیرقابل تغییر اند و اصولاً جهت حفظ امنیت و مصالح و ارزشهای اجتماع وضع شده اند و مجازاتهای که توسط شارع معین نشده بلکه اختیار تعیین آن را با ضوابطی بدست حاکم سپرده است که در شرایط مختلف و از مجرمی به مجرم دیگر قابل تغییر می‌باشند (۱۱). به عبارتی دیگر مجازاتهای شرعی کیفرهای هستند که یا به طور ثابت در شرع معین شده که به آن مجازات‌های معین گفته می‌شود. این دسته از مجازاتها به صراحت در متون دینی، مخصوص به جرایمی خاص بیان شده و کیفیات و کمیات آن به روشنی ذکر شده است و حاکم و قاضی را در بیش و کم کردن آن، اختیاری نیست. بنابراین در هر محیط و زمان و مکانی مجریان قانون موظف هستند که بدون در نظر گرفتن شخصیت گذشته و حال مجرمین به اعمال مجازات بپردازند. این مجازاتها در چند عنوان مطرح می‌شوند که عبارتند از: حدود، قصاص و دیات. یا به نظر حاکم شرع واگذار گردیده اند که هر کدام به بخشهایی تقسیم می‌شوند مانند تعزیرات (۵).

#### رویکرد مبتنی بر سهولت و مدارا در باب حدود

حد یکی از بارزترین و کامل‌ترین قوانینی است که اسلام در طول حیات خود بدون تغییر و بلامعارض در نظر گرفته است. در تاریخ اسلام هستند کسانی که به اقرار خودشان درخواست اجرای حد می

زمانی و مکانی، ویژگی های اخلاقی، روانی و حتی خصوصیات جسمانی بزهکار به تعیین و اجرای کیفری تعزیری اقدام نماید. در هر حال، توجه به شرایط و وضعیت فرد برای اعمال کیفر تعزیری، بسیار مهم است؛ به همین دلیل در روایتی هنگامی که راوی از امام معصوم از میزان تعزیر می پرسد، امام صادق (ع) در پاسخ می فرماید: «علی قدر ما یری الوالی من ذنب الرجل وقوة بدنه» (۲). تعزیرات به لحاظ گستردگی، تنوع، قابلیت بی نظیر در جهت انطباق با مقتضیات زمان، مکان، شخص و شخصیت مجرم و قربانی در نظام جزایی اسلام از جایگاه ممتازی برخوردار است. بنابراین با دقت در این تفاسیر، بدین نکته می رسیم که اسلام نوعاً حتی در باب تعزیرات نیز به دنبال اجرای مجازات صرف نیست؛ بلکه در اینجا هدف از مجازات، نوعی تأدیب است که مصلحت گرایی کلی در تمامی ابعاد در آن لحاظ شده است و اگر به فلسفه آن ها بنگریم می توانیم کاملاً به قرابت معنایی و خوانشی این اصول با مفاهیم امروزی بی ببریم. اجرای ناقص یا حذف برخی از اصول حاکم بر تعزیرات، نه تنها ممکن است سبب بی نظمی در نظام جزایی اسلامی شود، در عمل نیز باعث به وجود آمدن اشکالات عملی و اجرایی متعددی در حوزه حقوق جزا می شود. بنابراین در اینجا به قواعدی فقهی می رسیم که یکی از آن ها «التعزیر فی کل معصیه» است. اما «قاعده التعزیر بما یراه الحاکم» به عنوان یکی دیگر از قواعد حاکم بر تشریح و اجرای تعزیرات در نظام اسلامی نیز در عمق فلسفی خود دارای قرائت های جرم شناسانه ای است که به صورت غیر مستقیم با موضوع بحث ارتباط دارد (۴). این موارد و نظایر آن در فقه اسلامی، همگی نشان از تأکید حقوق اسلام به اصلاح و تربیت مجرمان و متهمان دارند و با آن توسعه ای که ما از دیدگاه اسلامی درباره تربیت و اصلاح قائلیم، حتی مجازات سالب حیات می تواند به اصلاح اخروی فرد کمک کنند (۶).

آثار تربیتی احکام فقهی کیفری در جامعه بخشی از آثار کیفر که منبعث از احکام فقهی اسلامی می باشند با توجه به آموزه های اسلامی که ناظر به اجتماع است، عبارتند از: (اعتدال فکری)، (عدالت محوری در جامعه)، (کرامت انسانی) و (جلوگیری از نابسامانی اجتماعی).

#### اعتدال فطری

اساسی ترین و محوریت‌ترین اصل حاکم بر همه احکام شرعی، اصل "اعتدال فطری" است؛ انطباق احکام بلکه همه دین بر فطرت توحیدی که برپایه اعتدال در زندگی، قابلیت بروز پیدا میکند. احکام اسلامی به طور عام و احکام جزائی به طور خاص، براساس فطرت توحیدی و سرشت الهی انسان تشریح شده اند. از آن جایی که احکام جزائی، براساس فطرت توحیدی و سرشت الهی انسان تشریح شده اند؛ انسانی که بر اثر موانع، دچار انحراف شده و مرتکب رفتار یا معتقد به اموری میشود که موجب شقاوت خود و هلاک دیگران میشود، سرشت وجودی انسان که در قامت سرشت اجتماعی و جمعی ظهور میکند، به مقابله با انحراف یک عضو و یا عضو منحرف، برخاسته و با مجازات به موقع و متناسب، سعی میکند وی

عدالت محوری در جامعه مکتب اسلام که نشأت گرفته از «حکمت» و «عدالت» ربوبی است، تمام دستورات و مقررات خود را بر اساس «عدالت» و برای تأمین آن در زندگی فردی و اجتماعی انسان تشریح نموده است که این «عدالت» در بُعد جزایی نمود بیشتری دارد. بدون تردید مجرم با ارتکاب جرم، از طرفی حرمت احکام الهی را می شکند و قانون دینی را نقض می کند و این عمل عقلاً و شرعاً او را مستحق مجازات می نماید. از طرفی دیگر، در اکثر جرایم علاوه بر این حرمت شکنی، مجرم به منافع و خواسته هایی دست می یابد که نامشروع و غیرقانونی هستند و رسیدن به آن منافع از طریق ارتکاب جرم، موجب محرومیت دیگران از حق مشروع خود می گردد. همچنین مجرم با ارتکاب جرم، عواطف و احساسات مجنی علیه و بستگان او و سایر افراد جامعه را جریحه دار می کند و احساس امنیت و آسایش اجتماعی را که یکی از ارکان حیات اجتماعی سالم می باشد سلب می کند و تمام این ها از بین بردن «عدالت» در بُعد فردی و اجتماعی است. در این وضعیت است که نیاز به برقراری دوباره عدالت در جامعه احساس می شود و همه مکاتب حقوقی خود را به بازسازی «عدالت»، متعهد می دانند و هر کدام به گونه ای برای رسیدن به این هدف تلاش می نمایند (۵). در نظام حقوقی اسلام که «عدالت»، پایه و اساس آن را تشکیل می دهد نیز قوانین و مقررات به طور کلی و قوانین کیفری به صورت خاص برای برقراری دوباره عدالت تشکیل شده است. در مرحله بعد، در اکثر جرایم علاوه بر این حرمت شکنی، مجرم به منافع و خواسته هایی دست یافته است که نامشروع و غیرقانونی بوده، دستیابی به آنها از این راه، باعث محرومیت دیگران از حق مشروع خود می شود و در نهایت، مجرم با ارتکاب جرم، عواطف و احساسات مجنی علیه و وابستگان به وی و همچنین افراد دیگر جامعه را جریحه دار می کند و احساس امنیت و آسایش را دچار نقص و خدشه می کند و همه این موارد از مصادیق روشن و آشکار ظلم و بی عدالتی، هم در بعد فردی و هم در بعد اجتماعی است (۷).

#### کرامت انسانی

حقیقت کرامت انسان، پیش از آنکه در تعریف دیگران رخ نماید، امری فطری و قابل درک وجدانی است. «کرامت» واژه ای عربی است که معادل دقیق فارسی نداشته و واژگانی چون بزرگواری یا شریف توان بازگوئی معنای آن در لغت عرب را ندارند. لذا برای

انسان است. پیوندهای از هم گسیخته جامعه را بر جای خود بر می گرداند. به عبارت دیگر، نیاز انسان به این همزیستی معقول، در زمره نیازهای فطری است. در نتیجه بازگرداندن وضعیت از میان رفته آن نیز چنین ویژگی خواهد داشت. کیفر به دنبال برداشتن این مانع می باشد.

آثار تربیتی حاکم بر اصلاح مجرم احکام شرعی تابع مصالح و مفاسد واقعی هستند. در نظام تشریح آنچه مشتمل بر مصلحت بوده مورد امر الهی واقع شده و آنچه برای آدمی مفسده دارد مورد نهی و کراهت قرار دارد. در این موضوع، محل بحث احکام جزایی مثل وجوب اجرای کیفر در موردی براساس مصلحت لازم الاستیفا واجب شده است. البته اگر عقل بتواند این مصلحت را درک کند و با علم بدان دسترسی یابد، می تواند حکم مورد نظر را صادر نماید. در مقابل، اگر با یقین به مفسدهای پی برد، آن را ممنوع نماید. درباره کیفرهای اسلامی نیز ما از این قاعده مستثنا نیستیم. این که در روایات و احادیث اسلامی وارد شده که افراد در صدر اسلام به حاکم اسلامی مراجعه می کردند و با اقرار و اعتراف به جرم، بر اعمال کیفر نسبت به خود و پاک شدن از جرم اصرار می کردند، نشان دهنده نوعی جهان بینی خاص در امر کیفر است. بر این اساس، به نظر می رسد کیفر در سیستم کیفری اسلام فقط برای تحمیل رنج و یا تأدیب فرد به خاطر عمل گذشته نباشد، بلکه موضوع اصلاح و باز اجتماعی کردن مرتکب جرم نیز مطرح است. برخی تأکید کرده اند که هدف و غرض اصلی کیفر در اسلام، سزادهی نیست، بلکه علاوه بر آن اصلاح کردن مرتکب نیز مدنظر است. این مسئله درباره کیفرهای تعزیری به روشنی قابل دفاع است.

بازسازی شخصیت مجرم یکی از آثار تربیتی احکام جزایی بازسازی شخصیت مجرم است. نظام جزایی اسلام در مقابله با افراد مجرم نه مانند یک دشمن که بخواهد عامل مزاحم را از میان بردارد و برای همیشه از دست او نجات یابد بلکه از موضع طیب مشفق و دلسوزی که میخواهد تا حد امکان بیمار بهبودی خود را بازیافته و در مسیر تربیت قرار بگیرد، همواره در تعیین مجازات و اجرای آن سعی میکند، زمینه بازسازی شخصیت مجرم و اصلاح و بازگشت وی را فراهم آورد. هرچند که در برخی از جرائم خسارتهای جبران ناپذیری به اهداف مقدس وارد میشود اما از آنجا که بالاترین هدف اسلام تربیت انسان است آنهم تربیت حداکثری انسانها، هزینه کردن برای بازگشت مجرمین عین هدف است و نه چشم پوشی از اهداف. مگر اینکه مجرم، همه پلهای پشت سرش را خراب کند و هیچ بهانه ای برای بازگذاشتن راه برگشت ظاهری را باقی نگذارد هرچند که راه بازگشت واقعی تا قبل از مرگ باز است (۱۱).

ایجاد مصونیت از ارتکاب جرم ادبیات بحث در آموزه های دینی نسبت به دیگر مکاتب، کاملاً متفاوت است؛ زیرا متون دینی برای انسانی که قرار است برای ابدیت

بیان مفهوم آن باید از چند کلمه بهره برد. شاید بتوان انسانی را که روح بزرگووار و منزّه از هر پستی داشته باشد را کریم خواند (۲). هر انسانی با تمام وجودش این حقیقت را لمس میکند که همگان در تسخیر اویند تا او به کمال مطلوبش برسد. و اگر او راه صلاح پیشگیرد، درهای برکت آسمان و زمین گشوده میشود. و چنانچه کج راه رود، آتش آن دامنگیر دیگران نیز می شود (۴). در نگاه قرآنی کرامت در دو سطح کلان فردی و جمعی مورد تأکید قرار گرفته است. زیرا انسان زمانی میتواند همه استعدادهای وجودی خود را به فعلیت برساند و بر مسند کرامت آنچنانکه شایسته اوست، تکیه زند که توانسته باشد با مبارزه دائمی، جامعه ای توحیدی را بسازد که در آن سیر متناسب با کمالات بینهایت را داشته باشد. بر همین اساس مقابله با جرائم بازگشت انسان به مسیر کرامت خود و برداشتن مانع از مسیر کرامت جمعی، ضرورت غیرقابل انکار است. تا جایی که باید به ایجاد دولت کریمه همت گذاشت که در آن تمام روابط مردم و حاکمیت براساس کرامت شکل می گیرد (۶). بر همین اساس، احکام جزایی فقه امامیه نیز در تشریح و اجرای هر حکم جزایی، تأمین کرامت انسانی را بهگونه ای دنبال میکند که برآیند آن پاسداشت توأمان کرامت فردی و جمعی باشد. برخلاف راهبردهای سیاست جنایی غرب که در واکنش جزایی به بزه، بسیار موقتی بوده، چرخش گرانیگاه در آنها - از عدالت سزاده به عدالت بازپرور و از آن به عدالت ارعابی و اکنون عدالت ترمیمی بر جرم شناسان کاملاً مشهود است (۵).

جلوگیری از نابسامانی اجتماعی اسلام به عنوان یک شریعت وحیانی، همان گونه که حیات فردی انسان ها را تحت پوشش خود قرار می دهد زندگی اجتماعی انسان ها را نیز مورد نظر قرار داده است و بسیاری از دستورات و قوانین آن ناظر بر حیات جمعی انسان ها می باشد. حیات اجتماعی سالم در گروه وجود امنیت و آسایش عمومی و رعایت حقوق و تکالیف متقابل است و آسایش عمومی در گروه حفظ اصول و ارکان یک حیات اجتماعی است. بنابراین از دیدگاه اسلام یکی از اهداف کیفری اسلام و چه بسا مهم ترین هدف آن، حفظ نظام اجتماعی و دینی است و این هدف بلند تأمین نمی شود مگر این که انسان ها از طریق اصلاح و تربیت یا از طریق ارعاب و ترس از مجازات، از ارتکاب اعمالی که ارکان نظام اجتماعی را خدشه دار می کند بازداشته شوند. انسان در بهره گیری هر چه بیشتر از مواهب و داده های طبیعی به سود خود، دارای اراده سیری ناپذیری است. همچنین وادار کردن دیگران به پیروی از خواسته های خویش که گاه حتی به درگیری های شدید و خونین نیز می انجامد. در چنین مواردی که پای فساد و افساد در رفتار انسان بروز می یابد، برای مبارزه با فساد و افساد کیفر به عنوان ابزاری مهم مطرح می شود. در حقیقت، این بهره وری های افسار گسیخته برخی انسان ها مانعی بزرگ در جهت سعادت و آرامش جامعه می باشد. به همین دلیل، کیفر به عنوان آخرین راه حل می تواند نقش مهمی را در جلوگیری از نابسامانی اجتماعی ایفا کند (۴). به تعبیری، واکنش مذکور با هدف مانع زدایی و دستیابی افراد به حقوق قانونی خود، طبیعی و برخاسته از سرشت و فطرت

بماند، قواعد و مقررات تنظیم می کند. کیفر دادن متخلفان و بزهکاران بدین منظور است که هم خودشان و هم دیگران آثار بد آن را ببینند و دیگر مرتکب آن تخلف نشوند: فَجَعَلْنَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَ مَا خَلْفَهَا وَ مَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ. و ما آن عقوبت و کیفر را برای حاضران آن زمان و نسل های بعد، درس عبرت و برای پرهیزکاران پندی یاد ماندنی مقرر فرمودیم (بقره / ۶۶). تعبیر مشابه دیگر درباره بیان کیفر، سرت است که در آیه مربوطه از واژه (نکال) استفاده شده است و به معنای کیفر و عقوبتی است که با اعمال آن، خود متنبه شده و باعث تنبه دیگران نیز بشود.

کلمه «نکال» به معنای ترساندن دیگری است. اصل کلمه نکال هم به معنای منع و بازداشتن است، به خاطر اینکه نکال از کلمه «نکل» گرفته شده و نکل به معنای قید و لجام است (۱۲). عِقَاب را نکال می نامند، چون هر کس ببیند دیگری عِقَاب شد، به خودش می گوید این کار را انجام ندهم تا عِقَاب نشوم. مثلاً وقتی می بیند یک نفر گناهی مرتکب شد و به عقوبت دچار شد، شما می گوید این گناه را انجام ندهیم تا به عقوبت او دچار نشویم. «موعظه» هم به معنای وعظ است، اصل موعظه هم همان ترساندن است. علامه طباطبایی نیز درباره نکال می گوید: به معنای عقوبتی است که به مجرم می دهند تا از جرایم خود دست بردارد و دیگران نیز با دیدن آن عبرت بگیرند (۱۳). خداوند در سوره مائده پس از بیان اینکه اعمال کافران را نمی پذیرد و آنها در عذاب الهی خواهند بود، می فرماید: دست مرد دزد و زن دزد را به کیفر عملی که انجام داده اند، به عنوان یک مجازات الهی قطع کنید و خداوند توانا و حکیم است. وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جَزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (مائده/۳۸)

علاوه بر این در جای دیگری از قرآن می فرماید: خداوند متعال از باب رحمت و وسعت اش، مقداری از نتیجه اعمال را در این عالم نشان می دهد تا انسان ها با دیدن آثار اعمال بد، تنبه یابند و با دیدن آثار اعمال خوب، به انجام آنها تشویق شوند. به تعبیر قرآن کریم: پاداش او را در دنیا دادیم و در آخرت از صالحان است» (عنکبوت/۲۷). اینکه مدعی شویم اصل، بازدارندگی است و ابزار رسیدن به آن اهمیت ندارد، با آموزه ها دینی سازگار نیست؛ بنابراین وقتی به کتاب وحی رجوع می کنیم، سخن خداوند با انسان براساس یک جهانی بینی و نگاه هستی شناسانه خاص است. در نتیجه این امر که فلسفه این قوانین صرفاً بازدارندگی بوده؛ پس بازدارندگی از هر راهی حاصل شود، خوب است و لزومی ندارد حتماً از راه قوانین جزایی اسلام باشد، قابل قبول نیست. همچنین در آیه مربوط به حد زنا در سوره نور نیز تصریح می کند که عده ای از مؤمنان، صحنه اجرای کیفر را مشاهده کنند و در زمان اجرا حاضر باشند. یکی از مهم ترین فایده چنین حضوری، عبرت آموزی از صحنه اجرای کیفر است.

#### اصلاح و تطهیر بزهکار

یکی از اهداف و آثار مجازات های اسلامی، «تهذیب» و «تطهیر» مجرمین است. به استناد بعضی از منابع اسلامی، کسی که به دلیل ارتکاب جرم در این عالم مجازات شود، در عالم دیگر برای ارتکاب

آرامش روانی و روحی افراد جامعه

- Zahra Porsina, Soroush Publications, Tehran.
2. Sadeghi, Hadi (1386), Faith in Islam, Islamic Studies Quarterly, No. 1, Winter.3. The Holy Quran, translated by Mehdi Elahi Qomshaei, Islamic Publications Office, Qom.
4. Ibn Munir Eskandi, Ahmed Ibn Muhammad (Bita), Al-Ansaf Fima, Taminah Al-Kashaf, Publisher of Maktaba and Mataba Company, Bija.
5. Ragheb Esfahani, Muhammad (1412 AH), al-Mufardat fi Gharib al-Qur'an, Al-Katab Publishing House, Qom.
6. Ibn Faris, Abu al-Hussein Ahmed bin Faris bin Zakariya bin Habib (1366), Ma'jam Maqais al-Lagheh; researched and recorded by Abdus Salam Muhammad Haroun, Darahiya al-Kitab al-Arabiya, Cairo.
7. Ibn Manzoor, Muhammad bin Makram bin Ali Abu al-Fazl Jamal al-Din (1988), Language of the Arabs, Vol. 1, Darahia al-Tarath, Beirut.
8. Jeffery, Arthur (1373), words included in the Holy Qur'an, translated by Fereydoun Badrei, Tos Publications, Tehran.
9. Sobhani, Jafar (Beta), Researches in Al-Mall and Al-Nahl, Hozah Management Center, Qom.
10. Qomi, Ali bin Ibrahim (1401 AH), Tafsir of the Holy Qur'an, Volume 1, Dar Kitab Publications, Qom.
11. Razi, Fakhr al-Din Abu Abd Allah Muhammad ibn Umar (1323 AH), a student of the thoughts of the early and late scholars of the scholars, the wisdom, and the scholars, al-Husayniyya Press, Egypt.
12. Tabarsi, Fazl bin Hasan bin Fazl (1415 AH), Majma al-Bayan fi Ulum al-Qur'an, vol. 1, Dar al-Ahiya al-Truth al-Arabi, Beirut.
13. Tabatabaei, Seyyed Mohammad Hossein (1417 AH), Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, translated by Seyyed Mohammad Baqer Mousavi Hamdani, Islamic Publications Office, Qom.

مهمترین هدف قوانین بشری ایجاد فضای امنیت و آرامش برای شهروندان است. انسان امروزی به خوبی می داند مهمترین موهبتی که در پرتو رعایت قانون نصیب انسان می شود امنیت، رفاه و آسایش، احقاق حقوق و عدالت و جلوگیری از ظلم است. امروزه در جوامع موضوع امنیت را نوعی نعمت اجتماعی می پندارند. به گونه ای که امنیت نعمتی است که تمام حکومتها برای تحقق آن تلاش می کنند. از یک دیدگاه، گاهی هدف کیفر با توجه به حق قربانیان جرم توجیه می گردد و اعتبار آن ناشی از رضایت خاطری است که در قربانی جرم و اطرافیان وی ایجاد می کند کیفر، ابزار و وسیله ای برای انتقام و افتخار احساس رنجشی است که به طور طبیعی در قربانی ایجاد شده است. به یقین، این احساس رنجش زمانی تسکین می یابد که عامل ایجاد آن، دستگیر و در محضر عدالت حاضر شود. اگر قربانیان جرایم، امیدی به سپرده شدن مجرمان به دست عدالت نداشته باشند، خودشان قانون را به دست می گیرند و این امر به انتقامها و ضد انتقام های نامنظم منجر می گردد (۵). در نظام جزایی اسلام، زمانی که اعمال برخی از کیفرها از سویی به اختیار مجنی علیه یا قربانی جرم واگذار می شود و از سوی دیگر، تأکید بر عفو و گذشت از سوی آنها می گردد، می تواند به ارضا و تشریف خاطر بزه دیده اشاره داشته باشد. اینکه در اسلام بر عفو تکیه شده، از انتقام نهی شده است، توجه ویژه به آرامش روانی و روحی افراد جامعه است که از نظر روانشناسی در بخشش این فرد گذشت کننده است که به آرامش فکری و روحی نایل می گردد البته در جرایم دیگر که جنبه عمومی آن پررنگ تر است نیز این امر صادق خواهد بود.

#### نتیجه گیری

اهداف فقه اسلامی و اهداف نظام تربیتی درباره انسان همپوشانی های فراوانی دارد. اهداف کلان مجازاتها در فقه که همان دستیابی افراد به کمال انسانی است و بالاترین کمال هستی هم قرب الهی به شمار می رود؛ در نظام تربیتی هم هدف رشد و کمال انسان و رسیدن به قرب الهی می باشد. بنابراین هم فقه و هم تربیت به دنبال رشد و هدایت و کمال انسان ها است. اصلاح و تربیت هدف اصلی مجازات ها می باشد. از آنجا که اجتماع نیاز به نظم و امنیت دارد بنابراین برای حفظ نظم و امنیت اجتماعی و تنظیم روابط افراد آن با یکدیگر وجود قواعد و مقرراتی ضرورت دارد و هر یک از افراد جامعه، به اختیار خود برای رسیدن به یک زندگی اجتماعی راحت و بی دغدغه و رفع نیازهای خویش، از پاره ای از آزادی های فردی و اجتماعی صرف نظر کرده و برای ادامه زندگی گروهی الزاما این قواعد و مقررات را رعایت می کنند. بنابراین از جمله آثار تربیتی احکام جرایمی دینی در جامعه می توان به اعتدال فطری، عدالت محوری در جامعه، کرامت انسانی و جلوگیری از نابسامانی اجتماعی اشاره کرد.

#### References

1. Izutsu, Toshi Hiko (1378) The Concept of Faith in Islamic Theology, translated by